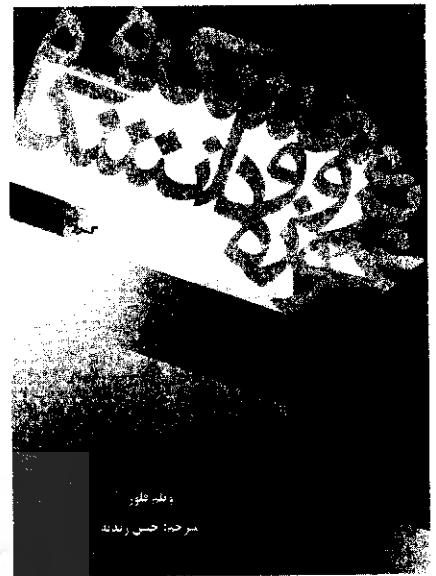


ملاحظات پیرامون روش تحقیق ویلم فلور

حسن زندیه



۲۳۵

ملاحظات پیرامون روش تحقیق ویلم فلور

ویلم فلور، ایران شناس مشهور هلندی برای پژوهشگران تاریخ ایران دوره اسلامی به ویژه از صفویه تا قاجار نامی کاملاً آشنا است. وی در سال ۱۹۴۲ م در شهر اوترخت هلند دیده به جهان گشود. پس از گذران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان و خدمت سربازی در سال ۱۹۶۳ م به دانشگاه اوترخت رفت و به تحصیل در رشتهٔ جامعه‌شناسی غیر غربی (مسائل اقتصادی جهان سوم)^۱ پرداخت و در سال ۱۹۶۷ م با درجهٔ فوق لیسانس فارغ‌التحصیل گردید و در سال ۱۹۷۱ م مفتخر به دریافت درجهٔ دکتری خود از دانشگاه لیدن گردید که موضوع آن «اصناف در دوره قاجار» بود.

فلور علاوه بر زبان هلندی که زبان مادری او است در دبیرستان، زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی را آموخت و در دانشگاه به شوق مطالعه مغرب (مراکش) تا مرو (منطقه‌ای در شرق اندونزی)، عربی را یاد گرفت و هم‌اکنون زبان‌های ایتالیایی، اسپانیایی، روسی، پرتغالی، یونانی و مقداری هم زبان ایران باستان (زند، اوستا و پهلوی) و ترکی را می‌داند. در کنار درس عربی به تحصیل فقه و کلام اسلامی مشغول شد و برای تحصیل زبان فارسی به مطالعهٔ تاریخ بیهقی



پرداخت. همین اثر بود که شعله های عشق ایران شناسی را در وجود او مشتعل کرد و به قول خودش «آن هم چه عشقی که تمام وقت و سرمایه عمر خود را در این راه مصروف داشته و هرگز هم از او جدا شدنی نیست». او هنوز هم معتقد است که تاریخ بیهقی یکی از بااهمیت ترین متون تاریخ ایران است. او که هرگز نتوانسته زبان فارسی و تحقیقات پیرامون ایران را رها کند، سفرهای متعددی به ایران داشته و مناطق مختلفی را دیده است حتی در سال ۱۹۶۷م با مشقت خود را به زابل رسانید؛ شهری که به قول او «هنوز شب ها شغال ها در خیابان هایش رژه می رفتند و حتی یک مسافر خانه هم در آن جا نبود» مدت شش ماه در دانشگاه تهران زبان فارسی آموخته، وقایع انقلاب اسلامی را از نزدیک شاهد بوده و با شخصیت های مختلفی هم چون جلال آل احمد، مهندس مهدی بازرگان و آیت الله طالقانی حشر و نشر داشته است. به عبارتی هم به مسجد هدایت می رفته است هم به کافه فیروز.

وی با این که استاد دانشگاه نیست و پست های مختلف اجرایی داشته و هم اکنون مسؤول امور انرژی بانک جهانی است در مدت عمر خود بیش از ۱۶۰ کتاب و مقاله در مورد ایران به رشته تحریر درآورده است که کاری است شگرف و بی جهت نیست که از سوی انجمن تحقیقات خاورمیانه در هلند به عنوان پرکارترین خاورشناس هلندی شناخته شد^۲ و همزمان با جشن های با شکوه بیست و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و برگزاری مراسم هفدهمین دوره معرفی کتاب سال و هفتمین دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، شایستگی دریافت جایزه جهانی کتاب^۳ سال جمهوری اسلامی ایران را از دست آقای سید محمد خاتمی ریاست جمهوری به دست آورد که به قول خودش «افتخاری بزرگ بود».^۴

بررسی شیوه تحقیق وی کار مشکلی است و پی بردن به شیوه پژوهشی او و هر محقق دیگری مستلزم بررسی دقیق آثار او است. هرچند کثرت آثارش صعوبت کار را دو چندان می نمود، تعدادی آثار ترجمه شده و نشده وی بررسی شد و مصاحبه مفصل اینترنتی هم با او انجام گرفت. نتیجه این تلاش، آشنایی با چند محور مهم از روش تحقیق او است که در این مقاله، بررسی خواهد شد:

فلور و انتخاب موضوع

این مرحله حساس ترین و مهم ترین مرحله انجام یک پژوهش است؛ چرا که نطفه تحقیق از همین جا منعقد می گردد و آغاز مسیری است که محقق باید فراز و نشیب های آن را دانسته و خود را برای پیمودن آن مهیا کند. این که بعضی محققان تاریخی در انتخاب موضوع به اشکال برمی خورند،

بدون شک از کاستی های مطالعه آنان حکایت دارد؛ زیرا مطالعه جامع، گسترده و توأم با کنجکاوی، موضوع های بکر و بدیعی را به ذهن پژوهشگر تاریخی خاطر نشان می سازد.

فلور که در عین اشتغالات عدیده اجرایی و کسالت هنوز قادر است در هفته ۵-۴ کتاب را به راحتی مطالعه کند، طبعاً می تواند موضوعات متنوع و متعددی از همین طریق- مطالعه کثیر- به دست آورد. نگاهی به فهرست آثار او مؤید همین مطلب است.

فلور درباره نحوه انتخاب موضوعات پژوهشی خود می گوید:

غالباً این موضوعات تحقیقی هستند که مرا انتخاب می کنند. من معمولاً درباره موضوعاتی می نویسم که در مورد آنها چیزی نمی دانم و هنگامی که آن را نوشتم و تمام کردم دامنه نادانسته های خود را به خواننده اطلاع می دهم و به او اعلام می کنم که این، آن چیزی است که من درباره این موضوع می دانم به عنوان مثال سال گذشته به طور اتفاقی مقاله ای را مطالعه کردم که دیگرارد (Digard) در مورد گربه های ایرانی نوشته بود. من آن مقاله را واقعاً دوست داشتم اما همین امر منجر به این شد که متوجه شدم مطالب بیشتری پیرامون آن موضوع وجود دارد از این رو سریعاً به کتاو در کتاب هایم پرداختم و بعد از یک هفته مقاله ۱۲ صفحه ای راجع به موضوع فوق نوشتم که متضمن اطلاعات بیشتری نسبت به آن مقاله ای بود که دیگرارد نوشته بود و خیلی هم جالب بود.^۵

نمونه دیگر کتابی است که در مورد بهداشت عمومی^۶ نوشته ام. در دانشگاه لیدن ابزارهای متعددی از آرایشگران دوره قاجار موجود است که من در ژوئن سال ۲۰۰۲ آن ها را مشاهده کردم. فکر کردم که این می تواند ایده خوبی جهت نگارش مطالبی درباره حرفه یک آرایشگر باشد. من تمایل داشتم مقاله ۱۰ صفحه ای در این رابطه بنویسم و بدون این که متوجه شوم یک کتاب ۳۰۰ صفحه ای در مورد بهداشت عمومی نوشتم. همین طور کتابی در مورد هنر نقاشی دیواری. من می خواستم مقاله کوتاهی بنویسم که مکمل مقاله قبلی ام در مورد هنر عصر قاجار باشد که در ژورنال مقرنس^۷ چاپ شده بود اما جست و جو منجر به فراهم آمدن اطلاعات زیادی شد و بدون این که بخواهم به کتابی ۲۵۰ صفحه ای تبدیل شد. بنابراین، تحقیقات من بیشتر نتیجه مشاهده آثار دیگران یا





به خاطر عدم موافقت من با آثار دیگران است یا از این جهت است که فکر می‌کنم ابعاد بسیار مهمی فراموش شده است یا به دلیل این است که من آن موضوع را نمی‌فهمم. در واقع مقاله اول من که در مورد لوطیان بود، به این علت نوشته شد که با تجزیه و تحلیل ارائه شده از سوی میگود (Migeod) که مقاله تحقیقی خوبی راجع به موضوع نوشته بود، موافق نبودم. من دوست دارم کاری را که انجام می‌دهم و چیزهای جدیدی را که یاد می‌گیرم، به چالش بکشانم. من حقیقت تاریخی را خیلی بیشتر از شکل رسمی آن دوست دارم. هنگام نوشتن کتاب بهداشت عمومی در عصر قاجار بیش از آن که از کتاب‌های پزشکی که معمولی و نظری هستند، استفاده کنم منابعی را جست و جو می‌کردم که حقیقت امور را به من بگویند؛ نه آن چیزی که تصور می‌کنند، باید باشند.

رویکردهای اقتصادی - اجتماعی فلور در پژوهش‌های تاریخی

شاید یکی از عللی که باعث شده فلور بتواند آثار پژوهشی بکر و بدیعی عرضه کند، رویکرد ویژه او به تاریخ باشد.

گرچه او اینک خود را یک سوسیالیست نمی‌داند، اما اذعان دارد که تمام مراحل زندگی اش طرفدار حزب سوسیالیست بوده و از آن جا که آن‌ها دیگر رئالیست نیستند از آن‌ها جدا شده است ولی باز هم عدالت را دوست دارد.^۸

وی با همین نگرش و با مطالعات جامعه‌شناسی و اقتصادی به بررسی بخشی از تاریخ که حلقه مفقوده‌ای در میان متون کلاسیک، تاریخ‌های درباری و پژوهش‌های جدید به شمار می‌آید، پرداخته است. متون و منابع قدیم، تاریخ‌های درباری و پژوهش‌های جدید عموماً حیات سیاسی شاهان، درباریان و نخبگان سیاسی را به طرز رسمی که مورد قبول ارباب مراجع قدرت باشد، شرح و بسط می‌دهند و در این میان نقش توده مردم که سنگینی گردونه عظیم تاریخ بر دوش آنان بوده و در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صاحب نقش و سهمی بوده‌اند، ناگفته مانده است. فلور به زعم خود می‌خواهد این گونه اسرار ناگفته را در تاریخ ایران بجوید و هویدا کند.

فلور در پژوهش‌های خود، همانند محققان دیدگاه «آنال» که تاریخ نگاری و علوم اجتماعی را پیوند داده و انسان‌ها را جانشین وقایع لحظه‌ای ساخته‌اند، به انسان (توده مردم) توجه ویژه دارد.

نکته ای که محققان دیدگاه آنال طی شصت سال فعالیت علمی همواره به آن توجه داشته اند، این است که در مرکز همه بحث ها، انسان زنده و پویا با ابعاد گوناگون و توانایی های قابل ملاحظه، قرار دارد. انسان هایی که بر کنار از تلاش های وقایع نگاران، مورخان درباری و تاریخ نگاران تجربه گرا که بیشتر به زندگی طبقات بالای جامعه و هیئت حاکمه پرداخته اند، سازندگان واقعی تاریخ اند. همان هایی که در مجلدات قطور مورخان جیره خوار، به کلی فراموش شده اند.^۹

فلور در همین راستا اظهار می دارد:

رشته تحصیلی من جامعه شناسی و اقتصاد جهان سوم بود. من همواره به علوم جامعه شناسی علاقه داشته ام؛ یعنی همیشه دلم می خواست بدانم روابط مردم با یکدیگر چگونه بوده است. نه تنها از نظر جامعه شناسی بلکه حتی از نظر اقتصادی. من همیشه به زندگی مردم عامه و توده پائین اجتماع علاقه مند بوده ام. اکثر مردم به قول شما ایرانی ها رجال و شاه نیستند تمام تاریخ های رسمی درباره شاهان و رجال است و هیچ نقشی به مردم - خصوصاً توده عامه - داده نشده است؛ یعنی شما فکر می کنید عامه مردم نقشی در تاریخ نداشته اند و چیزی به فرهنگ و تمدن انسانی نداده اند؟ من که فکر نمی کنم چنین باشد. من در خود احساس وظیفه می کنم تا می توانم در باب زندگی مردم عادی تحقیق کنم و در واقع باب تازه ای در مطالعات ایران شناسی عصر صفویه تا قاجاریه باز کنم.^{۱۰}

حتی در این سفر [۱۹۹۹] که برای شرکت در کنفرانس مشروطیت به ایران آمده ام، عنوان سخنرانی ام درباره نقش توده مردم در انقلاب مشروطه است که باز درباره فقرا، عامه مردم و اصناف و کارگران است؛ یعنی کسانی که در واقع بدنه اصلی جنبش مشروطه بودند و سران و رجال از آن ها استفاده کردند و بعد از رسیدن به اهدافشان آنان را رها کردند؛ یعنی در واقع سر (رجال) از بدن (مردم) جدا شد و از این روی مشروطیت مرد. به این دلیل من به فقرا و بیچارگان علاقه دارم که افرادی بهتر نسبت به رجال و بزرگان هستند.^{۱۱}

اظهارات فوق یادآور نظر ای. اچ. کار است که می گوید:

نمی توان کار مورخ را فهمید یا قدر نهاد، مگر این که دیدگاهی را که اساس



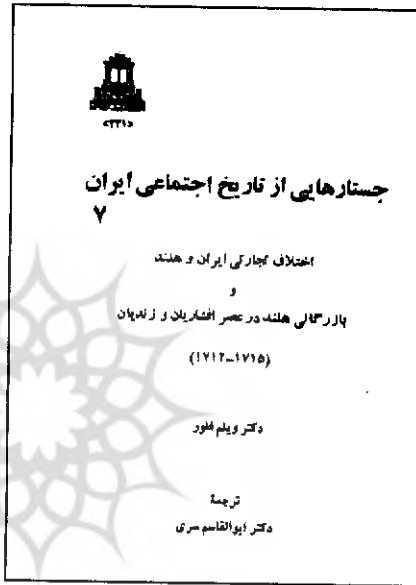
برداشت او بود دریابیم؛ این دیدگاه، خود ریشه در پیشینه اجتماعی و تاریخی

دارد. ۱۲

فلور با عنایت به دعاوی فوق؛ یعنی علاقه به مردم، رساله دکتری خود را که موضوعی تازه بود، با نام اصناف در دوره قاجار به رشته تحریر در آورد و از همین منظر پژوهش های دیگری انجام داد که همگی در نوع خود تازه و بدیع بودند.

منصب کلانتری در دوره قاجار، محتسب و داروغه بازار، تاجر در دوره قاجار، صرافان در دوره قاجار، لوطیان و ...

نمونه دیگر از آثار پژوهشی بدیع و با اهمیت فلور مجموعه شش جلدی درباره روابط ۱۴۳ ساله ایران و هلند در سال های ۱۱۷۹ - ۱۰۳۲ ق/ ۱۷۶۶ - ۱۶۲۳ م است که بر اساس اسناد کمپانی هند شرقی هلند انجام گرفته است. تلاش فلور در این زمینه از این جهت حائز اهمیت است که امکان دسترسی به این اسناد را - که باید آن ها را منابع و مآخذ اسنادی نامید - ۱۳ برای محققان فراهم نموده است. این شش جلد مملو است از اسناد و مدارکی که



شاید اولین بار فلور آن ها را کند و کاو دقیق کرده، تاریخمند نموده، حیات بخشیده و با یک ربط و بسط منطقی وقایع آن دوره را نوشته و در اختیار علاقه مندان تاریخ ایران قرار داده است. اسامی این شش جلد به شرح ذیل است:

۱. اولین سفرای ایران و هلند، ترجمه و نگارش ویلم فلور، به کوشش داریوش مجلسی، حسین ابوتراییان، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶ ش، (شرح سفر «موسی بیگ» سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه «یان اسمیت» سفیر هلند در ایران).

۲. اختلاف تجاری ایران و هلند، در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵ - ۱۷۱۲، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، ۱۳۷۱ (اختلافات تجاری ایران و هلند در اواخر عصر صفوی و دوره افشاریه).



۲۴۰

سال چهارم - شماره ۱۳ و ۱۴

۳. برافتادن صفویان و برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، ۱۳۶۶، (وقایع ایران در سال‌های ۱۱۳۷-۱۱۳۱ ق/ ۲۵-۱۷۱۹ م).
۴. اشرف افغان بر تختگاه اصفهان، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، ۱۳۶۷، (وقایع ایران در سال‌های ۴۱-۱۱۳۷ ق/ ۲۹-۱۷۲۵ م).
۵. حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، ۱۳۶۸، (وقایع ایران در سال‌های ۶۰-۱۱۴۲ ق/ ۴۷-۱۷۳۰ م).
۶. هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس) در عصر کریم خان زند، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، ۱۳۷۱، (وقایع خلیج فارس در سال‌های ۷۹-۱۱۶۳ ق/ ۶۶۵-۱۷۵۰ م). ۱۴
- فلور نخستین مورخی است که با استفاده از بایگانی راکد کمپانی هند شرقی در «آمستردام» داستان درگیری میرمهنا با مقامات هلندی در خلیج فارس و جزیره خارک را باز گفته است. در ارزش و اهمیت این اثر همین بس که تا کنون متنی به این گستردگی و تا این اندازه مستند در باب میرمهنا و هلندیان در خارک به هیچ زبانی منتشر نشده است ارزش پژوهش فلور زمانی روشن می‌شود که کتاب او را با تاریخ‌های کلاسیک ایرانی مربوط به زندیه و کتب تاریخی انگلیسی مقایسه کنیم او با سود جستن گسترده از مکاتبات، اسناد، آمارها و رساله‌های منتشر نشده کمپانی هند شرقی هلند یکی از بهترین تاریخ‌ها را در این باب نگاشته است و ... ۱۵.
- ناگفته نماند که از این مجموعه شش جلدی نمی‌توان چندان به شیوه پژوهشی فلور پرداخت؛ چرا که اولاً این کتاب‌ها آثار پژوهشی او نیستند. وی در این مجموعه بر اساس اسناد کمپانی هند شرقی هلند (صورت حساب‌های تجاری، قراردادهای بازرگانی، امتیازات تجاری، یادداشت‌های روزانه، اخبار و اطلاعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ...) ۱۶ که در شهرهای مختلف مثل کرمان، بندر عباس و اصفهان شعبه داشتند، تنظیم نموده است و در مورد روابط ۱۴۳ ساله ایران و هلند مجموعه بسیار ارزشمندی را فراهم آورده و هم چون کتاب مرجعی در اختیار پژوهشگران تاریخ قرار داده است.
- ثانیاً ما نمی‌دانیم نحوه برخورد فلور با این گونه اسناد چگونه بوده است؟ چگونه آن‌ها را جرح و تعدیل کرده، چه حذف و اضافاتی در آن‌ها وارد نموده است، چه اسناد و مدارکی را مورد مطالعه قرار نداده و از ارائه چه اسنادی خودداری کرده است؟ در صورتی که هیچ ایرادی هم به فلور وارد نباشد باید همواره به این نکته توجه شود که این اسناد صرفاً از منظر هلندیان نوشته شده و مبین دیدگاه‌های آنان است و همین امر ضرورت نقد و مقایسه با منابع دیگر را دوچندان می‌کند.



البته همه این سؤال‌ها احتمالاتی است که می‌باید آن‌ها را مطرح کرد و پی‌گیری نمود تا در پرتو آن‌ها به چگونگی تعامل فلور با این اسناد پی‌برد.

تذکار این شش جلد کتاب در این جا، فقط برای بیان تنوع موضوعات مورد کنکاش و اقدام ابتکاری و قابل‌تحسینی است که فلور انجام داده و در خواندن آن اسناد که سال‌ها طول کشیده، متحمل مشقات فراوان شده است. چنان‌که خود فلور در این زمینه اظهار می‌دارد:

من از سال ۱۹۷۴ به‌طور عمیق تحقیقات خودم را درباره‌ی دوران صفوی شروع کردم. ماجرا نیز از این‌جا شروع شد که کار من در وزارت تعاون جهان سوم کنار آرشیو ملی هند قرار داشت. من هر روز در مدت تعطیلی کار برای صرف نهار یک ساعت به آرشیو ملی می‌رفتم و در اسناد و مدارکی که از دوره صفویه از کمپانی هند شرقی هلند بر جای مانده بود کار می‌کردم و یادداشت برمی‌داشتم. از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۳ کارم این بود. علاوه بر روزهای هفته، روزهای شنبه نیز که کارم در وزارتخانه تعطیل بود، تمام روز در آرشیو ملی کار می‌کردم. در این سال‌ها موفق شدم هزاران فیش و یادداشت درباره تاریخ روابط تجاری و سیاسی ایران و هلند از دوران صفویه تا قاجار تهیه کنم.^{۱۷}

نکته دیگری که در باب موضوع پژوهش تاریخی باید گفت این است که معمولاً دو گونه پژوهش می‌توان قائل شد:

۱. استاتیک **Statique**: تحقیق درباره یک موضوع و یا چند موضوع در یک محدوده کوچک و مقطع زمانی است مثل: روابط نظامی ایران و فرانسه در دوره قاجار.
۲. دینامیک **dynamic**: تحقیق در خصوص یک موضوع یا چند موضوع در تمام دوره‌ها و یا چند دوره متوالی است مثل: نقش نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران که دوره‌های مختلفی را شامل می‌شود.^{۱۸}

با توجه به گستردگی علوم و معارف بشری از یک سو و محدودیت‌ها و تنگناهایی که در راستای انجام تحقیقات گسترده و هم‌چنین تخصصی و جزئی شدن علوم وجود دارد، به نظر می‌رسد که سمت و سوی پژوهش‌ها در تمامی رشته‌ها و از جمله تاریخ، به سوی تحقیقات استاتیک؛ یعنی به سوی تحقیقات ژرفا نگر میل می‌کند و تحقیقات پهنانگر (اقیانوسی با یک وجب عمق) رنگ می‌بازد و دیگر، پژوهش‌هایی که از ازل تا به ابد و از کران تا به کران را می‌پیمایند محل



اعتنا اصحاب علوم و مجامع آکادمیک نخواهند بود.

آثار پژوهشی فلور از نوع استاتیک بوده و موضوع آن‌ها جزئی است و مقطع خاص زمانی و مکانی را در بر دارد و هیچ کدام از موضوعاتش عقیده و نظریه ثابت و قاطعی را اعلام نمی‌کنند و متضمن پیش داوری نیستند.

ایرادی که در باب موضوعات پژوهشی فلور بر وی گرفته شده این است که دست کم در یک مورد به نظر می‌رسد عنوان پژوهش با محتوای کلی پژوهش هماهنگ نبوده و همخوانی ندارد چنان که نویسنده مقاله کند و کاوی در آثار ویلم فلور به خوبی خاطر نشان می‌سازد، عنوان یکی از کتاب‌های فلور اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی ایران و هلند در عصر افشاریان و زندیان ۱۷۱۵ - ۱۷۱۲ م است و در صفحه‌شناسنامه عنوان «جستارهایی از تاریخ ایران در عصر افشاریان و زندیان ۱۵ - ۱۷۱۲ م» ذکر شده است. اما باید در نظر گرفت که اولاً. این کتاب به مرافعه‌های تجاری شرکت هند شرقی هلند و ایران در سال ۱۸ - ۱۷۱۲ م امعان نظر داشته و ثانیاً. سال‌های مذکور با روزگار افشاریان و زندیان مطابقت ندارد. همین آشفتگی در عنوان بخش دوم نیز مشاهده می‌گردد؛ بدین ترتیب که عنوان این بخش در صفحه‌فهرست «بازرگانی هلند در عصر افشاریان» است اما در متن کتاب «بازرگانی هلند با مسقط» که این عنوان دقیق‌تر می‌باشد؛ چرا که این بخش مناسبات شرکت هلند و مسقط را در سال ۵۸ - ۱۷۵۶ م بررسی می‌کند که نه مقارن با دوره زندیه است و نه افشاریه.^{۱۹}

آن چه که در این مورد از گفته‌های فلور و نیز بررسی عناوین پژوهشی وی برمی‌آید این است که وی با مطالعه عمیق و دقیق در منابع، متون و اسناد تاریخی و عنایت به آثار پژوهشی دیگران موضوعاتی را انتخاب می‌کند که:

۱. تازگی داشته باشند، به نحوی که با آن پژوهش، نکته‌ای تازه کشف گردیده، مطلب تاریک و مبهمی روشن گردد یا بتوان آگاهی موجود را تکمیل کرد. در واقع همین امر، فلسفه وجودی هر تحقیق است و اغلب موضوعات پژوهشی فلور، بکر و بدیع هستند و از خلاقیت و نوآوری برخوردارند.

۲. عناوین پژوهشی او معمولاً جزئی، کوتاه و ساده بوده و ابهامی در آن‌ها نیست. عقیده و نظریه ثابت و قاطعی را بیان نمی‌کند و پیشاپیش معانی و مفاهیمی را به خواننده القاء نمی‌کند که حمل بر پیش داوری گردد.

۳. انجام بیش از ۱۶۰ اثر پژوهشی، نشانگر این است که فلور در حین انتخاب موضوع، به مسائل جانبی دیگری مانند: امکان انجام پژوهش از حیث عوامل خارجی و شخصی محقق، امکان



دسترسی به اطلاعات و مدارك و زمان و هزینه لازم توجه داشته است. در غیر این صورت این پژوهش های متعدد صورت نمی پذیرفت.

طرح مقدماتی تحقیق

پس از انتخاب موضوع تحقیق، بی شک باید به طرح مقدماتی تحقیق پرداخته شود اما در این که طرح مقدماتی تحقیق چیست، شامل چه اجزا و بخش هایی است و چه مسائل و مواردی در آن طرح می شود اختلاف نظر وجود دارد.^{۲۰}

رشید یاسمی در کتاب آئین نگارش تاریخ، جهانگیر قائم مقامی در کتاب روش تحقیق در تاریخ نگاری و عبدالحسین زرین کوب در کتاب تاریخ در ترازو - سه کتابی که معمولاً در این باب محل رجوع هستند - در این باره مطلب خاصی ننوشته اند^{۲۱} قائم مقامی به طور اختصار طرح مقدماتی را در واقع فهرستی از مطالبی می داند که درباره آن ها باید صحبت شود و این کار به زعم او مستلزم تقسیم موضوع به مباحث کوچک تر و تنظیم آن مباحث به صورت ابواب و بخش ها و فصلی چند است که به سبب همان ابتدائی بودن طرح در حین پژوهش خواه ناخواه تغییراتی در آن ها داده می شود و این طرح مقدماتی محقق را قادر می سازد به پرسش های بسیاری که درباره موضوع مورد پژوهش در ذهن خود دارد جواب دهد. بنابراین، طرح مقدماتی حدود منطقی کار را روشن می کند و ...

این، سخن به جا و شایسته ای است اما همه آن چه که باید گفته شود نیست. به عبارت دیگر آن چه که امروزه در طرح های مقدماتی پژوهش های تاریخی، شاید هم متأثر از روش های پژوهشی در علوم اجتماعی و علوم سیاسی و ... مطرح شده و صورت می بندد و به ویژه از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا خواسته می شود طرح مقدماتی پژوهشی خود را بر آن مبنا طراحی و ترسیم نمایند مقولاتی فراتر از مطالب فوق الذکر است.

معمولاً در این بخش، مساله مورد پژوهش شکافته و سؤال هایی مطرح می گردد که محقق در پژوهش خود به دنبال آن ها است و به دنبال سؤالات، فرضیه هایی (Hypotheses) مطرح می گردد که محقق طی پژوهش در صدد اثبات یا انکار آن ها است و فرضیه هم اقسامی دارد (فرضیه تخمینی Estimational Hypothesis، ارتباطی Hypothesis Relational، نفی کننده Statistical Hypothesis) و در بر دارنده متغیرهایی است که آن هم بر انواعی منقسم است که



متغیر وابسته یا تابع (Dependent variable)، متغیر مستقل یا متبوع (Independent variable) و متغیر میانگیر / حد وسط (Interveniny variable) از انقسامات آن است.^{۲۲} و بعد هم محقق باید ادبیات تحقیق، مراحل و روش تحقیق خود را باز گوید.

چنان که خاطر نشان گردید ظاهراً این مقولات از شیوه‌های پژوهشی علوم اجتماعی، علوم سیاسی و ... بوده و از کتاب‌هایی که در این باب نگاشته شده‌اند به رشته تاریخ تسری یافته است و گاهی پژوهشگران تاریخی بدون کار بست مقولات فوق، طرح مقدماتی تحقیق خود را ابتر و ناقص می‌پندارند و لاجرم ملزم به اجرای این اصول و موارد هستند و احتمال دارد این امر به خلاء ناشی از فقدان کتاب راهنمای پژوهشی اختصاصی رشته تاریخ باز گردد.

در این نکته که به عاریت گرفتن شیوه‌ها و فنون علمی و متعارف رشته‌های دیگر امری پسندیده است جای بحث نیست ولی در این که این اصول و فنون چه مقدار در مورد رشته تاریخ کاربرد دارند و صحیح هستند، محل تامل است؛ چرا که ماهیت هر رشته‌ای با رشته دیگر فرق می‌کند و طبعاً ساز و کار پژوهشی دیگری را می‌طلبد.

فلور هم با نگارنده مقاله هم عقیده است که هنوز یک کتاب راهنمای جامع و مانع برای انجام پژوهش‌های تاریخی وجود ندارد.

حق با شماست. تاکنون یک کتاب راهنمای خوب در این زمینه نوشته نشده است. من معمولاً دانشجویان را به کتاب تاریخ چیست؟^{۲۳} اثر نئی. ایچ. کار ارجاع می‌دهم؛ چرا که این کتاب راهنمای خوبی در مورد اندیشیدن پیرامون منابع مورد استفاده و چگونگی نگارش تاریخ است. در مورد تاریخ ایران هنوز کتابی وجود ندارد. با گروه کوچکی شامل محققان ایرانی و امریکایی در واشنگتن در صدد هستیم یک کتاب راهنما در این زمینه بنویسیم که دو سال دیگر این کار آماده می‌شود. برای قرون میانه کتابی تحت عنوان راهنمای تاریخ اسلام^{۲۴} اثر همپفرس (Hymphreys) وجود دارد که به ویژه در مورد دارالاسلام به کار می‌رود.

درست است که هنوز کتاب راهنمای خوبی جهت مساعدت در پژوهش‌های تاریخی وجود ندارد اما فلور با بکارگیری روش پژوهشی علوم اجتماعی در تاریخ هم خیلی موافق نیست. گرچه او خود تحصیل کرده رشته جامعه‌شناسی است، در همین زمینه اظهار می‌دارد:





روش های تحقیق علوم اجتماعی کاربرد محدودی در تاریخ دارند؛ زیرا معمولاً داده های آماری^{۲۵} وجود ندارد که بتواند مورد استفاده قرار گیرد. کمکی که این علوم می توانند بکنند این است که چگونگی عملکرد جوامع و کارکرد گروه های اصلی درون جوامع را تبیین نمایند. آن ها اغلب چارچوبی را ارائه می کنند که ممکن است اسباب فهم بهتر را فراهم سازد. به هر حال همواره ترجیح، تمایل و تعصبات محققان در این راستا وجود دارد. البته مادامی که محقق علناً موارد مورد تعصب خود را اعلان کند، این مساله مشکلی را به وجود نمی آورد. اگر کسی بنویسد من یک مارکسیست هستم و کتاب من جامعه ایران را از منظر مارکسیسم تجزیه و تحلیل می کند، شما می دانید که چه می خواهد بگوید. به عنوان مثال من مطالبی در مورد میر مهناوی بندر ریگی آن طور که در منابع هلندی منعکس شده بود، همراه با آن چه که منابع انگلیسی در مورد او گفته اند و آن چه که منابع محدود ایرانی بیان داشته اند نوشتم. یک محقق ایرانی در مورد همان شخص تحقیقی انجام داد و فقط به خاطر این که اروپائیان را مورد حمله قرار می داد او را به عنوان قهرمان ملی ایران علیه امپریالیسم اروپائی مطرح کرد. سؤال من در مورد کتاب اخیر این است که محقق روشن نکرده است که چه چیزی باعث می شود که یک ایرانی به یک وطن پرست تبدیل شود، در حالی که او خانواده و همسایگانش را به خاطر منفعت شخصی می کشد و منظور او از امپریالیسم اروپائی چیست در حالی که آن زمان هنوز شکل نگرفته است.

فلور محدودیت کاربرد روش تحقیق علوم اجتماعی در تاریخ را ناشی از فقدان داده های آماری (Statistics) می داند. در این مورد باید گفت، علوم اجتماعی که در آن فکت های مورد تحقیق پژوهشگر وجود دارند و پژوهشگر علوم اجتماعی می تواند در یک تحقیق میدانی و با شیوه های خاص خود آن ها را مورد مطالعه قرار دهد با تاریخ که فکت های مورد مطالعه آن از دسترس و مشاهده محقق به دور هستند تفاوت دارد، اما علوم اجتماعی یکسره در داده های آماری خلاصه نمی شود؛ و به علاوه در رشته تاریخ هم داده های آماری وجود دارند و کاربرد آمار در تاریخ امری است که بر فلور نیز پوشیده نیست. از این رو است که در کنار مقالات کیفی مجلات آنال به طور

مرتب مقالاتی نیز در باب کاربرد آمار در تاریخ، استفاده از اقتصاد سنجی و کمی کردن در تاریخ نشر می‌یافت. ۲۶

آمار - به ویژه در تاریخ اقتصادی و اجتماعی - می‌تواند در تجزیه و تحلیل داده‌ها بسیار مفید و مددکار باشد. مثلاً در کتاب تاریخ مالی دوره صفوی و قاجار اثر فلور، بی‌شک آمار می‌تواند مؤثر واقع شود و نیز کتاب گروهش به اسلام در قرون میانه اثر ریچارد بولت از همین نوع است که با تجزیه و تحلیل آماری و رسم نمودارهای مختلف نتایج قابل توجهی به دست آورده است. ۲۷

اگر بپذیریم که بر مبنای فرضیه ایده‌آلیستی که نقطه مقابل فرضیه پوزیتیویستی است «عالم انسانی» که موضوع مورد مطالعه مورخ است با «دنای مادی» که موضوع تحقیق دانشمند علوم طبیعی است تفاوت و تمایز دارد؛ چرا که منطق پژوهش آن‌ها متمایز از یکدیگر است و به قول مورخ بزرگ آلمانی یوهان گوستاو درویزن «عالم طبیعی می‌خواهد تبیین کند و عالم انسانی تفهم». ۲۸ به نظر می‌رسد که همان «عالم انسانی» هم که مورخ و محقق علوم اجتماعی در صدد مطالعه آن هستند با هم فرق دارند، یکی «عالم انسانی» موجود را می‌کاود و دیگری «عالم انسانی» را که مفقود است و جز پاره‌ای اسناد، مدارک و شواهد چیز دیگری درباره آن وجود ندارد. اگرچه موضوع مطالعه آن‌ها یکی است، هر دو انسان و کنش اجتماعی او را بررسی می‌کنند ولی نباید شیوه پژوهش آن‌ها یکسان باشد؛ چرا که ماهیت پژوهش آن‌ها متفاوت است. البته این به معنای عدم پیوند و رابطه میان تاریخ و علوم اجتماعی به معنای عام که شامل رشته‌های اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ... می‌شود، نیست. ۲۹

ناگفته نماند که افرادی مثل کارل ریموند پوپر علاوه بر اشتراک شیوه پژوهش در تاریخ با علوم اجتماعی اشتراک آن را با علوم طبیعی نیز باور دارند. پوپر بر آن است که مورخین و فیلسوفانی که قائل به شکاف و جدایی میان روش پژوهش در تاریخ و علوم طبیعی بوده‌اند، تصور عمیقاً نادرستی از علوم طبیعی داشته‌اند؛ زیرا علوم طبیعی بیش از آن‌چه که مورخین پنداشته‌اند، شبیه تاریخ است و ... استدلال اساسی پوپر این است که ما در علم باید کارمان را با طرح مسأله آغاز کنیم و ... ۳۰

ولی فلور در باب طرح سؤال، ارائه فرضیه، متغیر و تئوری معتقد است:

من معمولاً با فرضیه شروع نمی‌کنم ولی ممکن است پیش زمینه فرضیه‌ای در ذهنم باشد. اما روشی که من در تحقیق پیش می‌گیرم این است که ابتدا تمام داده‌ها را جمع‌آوری کرده، سپس آن را سازمان‌دهی می‌کنم (بر حسب





سال شماری، موضوع، شخص یا هر نوع طبقه بندی دیگر) آن گاه سعی می‌کنم دریابم داستانی که این انبوه داده‌های تاریخی به من می‌گویند چیست؟ به عنوان مثال در کتاب بهداشت عمومی من استدلال کردم که پزشکی اسلامی یونانی، مهم‌ترین اسلوب پزشکی که در ایران به کار گرفته شده، نیست و این استدلال مخالف دیدگاه پذیرفته شده است. من این را به عنوان یک نظریه قبل از انجام تحقیق مطرح نکردم ولی این نتیجه تحقیق من بود. ما قطعاً در تحقیقات تاریخی نیازمند طرح سؤالاتی هستیم؛ چرا که ماهیت تاریخ همین است. منابع جواب‌هایی ارائه می‌کنند. ما باید دریابیم که منابع سعی می‌کنند چه سؤالاتی را جواب دهند و برای چه کسی جواب می‌دهند؟ من فکر نمی‌کنم که ما می‌توانیم با متغیرها کار کنیم؛ چرا که در این صورت تاریخ آلت دست تئوری خواهد شد. یک مثال خوب از کاربرد چنین روش غلطی کتاب مقاومت شکننده^{۳۱} اثر جان فوران یا چیزی شبیه آن است. آن کتاب متأسفانه حتی به فارسی هم ترجمه شده است. به نظر من کتاب خیلی بدی است. این کتاب فقط منابع را به زبان انگلیسی مورد استفاده قرار داده و آن گاه با آن داده‌ها، تئوری نظام‌های جهانی را به کار برده است و نتیجه‌ای می‌گیرد که نهایتاً تاریخ ایران را آن گونه که من می‌شناسم منعکس نمی‌کند. حقیقت این است که من فکر نمی‌کنم که این تئوری سیستم جهانی خیلی سودمند باشد بلکه دیدگاه منفی من نسبت به این کتاب را افزایش می‌دهد.

هم چنین فلور در کتاب اختلاف تجارت هلند و ایران ۱۵ - ۱۷۱۲ م از این نظریه که توسعه طلبی اروپائیان یکی از عوامل عقب ماندگی کشورهای آسیایی است، انتقاد می‌کند و می‌نویسد:

گفتن چنان بیانات سهل و آسان، با به کار بردن نمونه و تئوری‌هایی میسر شده است که تجربیدی از واقعیت تاریخی به شمار می‌رود. در این که در کاربرد تئوری‌ها و مدل اشتباه و خطائی نیست، من با آن نیک هم داستاتم اما این تئوری‌ها و مدل‌ها گاه به ساده‌سازی بیش از حد و کاربرد گزینشی دانسته‌ها انجامیده، از گذشته تصویری می‌آفریند که برای معاصرانی که دست اندر کار تجزیه و تحلیل دوره تاریخی مورد بحث هستند، نامفهوم و به تمامی بیگانه می‌نماید. به عنوان

مثال اگر بگوئیم که ده شرکت هندخاوری (واک) ایران را وسیله رسیدن به مقاصد و اهداف بازرگانی جهانی خود قرار دادند، عقیده ای است که هلندیان و ایرانیان هیچکدام با آن موافق نیستند. بنابراین، گاه ضرورت دارد که به واقعیت تاریخی و این که از روی احتمال امور در نفس واقع چگونه بوده اند، توجه بشود.^{۳۲}

بنابراین، فلور معتقد است با عنایت به ماهیت متفاوت تاریخ و علوم اجتماعی، روش تحقیق علوم اجتماعی نمی تواند در خصوص تاریخ مفید بوده و مددکار خوبی باشد. ماهیت تاریخ و تحقیق تاریخی ایجاب می کند که محقق سؤالاتی را مطرح کند و در صدد یافتن جواب آن ها باشد ولی الزامی به طرح فرضیه نیست و به کارگیری متغیرها ممکن است تاریخ را آلت دست تئوری سازد، به نحوی که با واقعیت تاریخی متفاوت باشد.

البته ممکن است فلور از بیم گرفتار شدن در حلقه پیش داوری، از ارائه فرضیه خودداری ورزیده باشد حال آن که ممکن است بتوان فرضیه ای را طرح کرد و گرفتار دام پیش داوری هم نشد. مثلاً فلور در کتاب بهداشت عمومی به این نتیجه رسیده است که:

پزشکی اسلامی - یونانی مهم ترین اسلوب پزشکی که در ایران به کار گرفته شده، نیست.

حال اگر همین عبارت را در ابتدای تحقیق به صورت فرضیه مطرح می کرد و در طی تحقیق به استناد مدارک و اسناد آن را اثبات یابد می کرد، آیا گرفتار پیش داوری و سوگیری شده بود؟ یا چه خللی در روند پژوهشی او ایجاد می کرد؟

این که فلور می گوید: «فکر نمی کنم ما می توانیم با متغیرها کار کنیم» به دلیل آن است که کار خود را با فرضیه شروع نمی کند. وقتی فرضیه ای طرح نگردد طبعاً تغییری وجود نخواهد داشت؛ چرا که متغیرها در قالب فرضیه عرضه خواهند شد و در واقع فرضیه رابطه بین دو یا چند متغیر تعریف شده را بیان می کند. مثلاً در فرضیه: همکاری بین سازمان سیا و سرویس اطلاعاتی انگلستان و عوامل داخلی سلطنت طلب موجب پدیداری و توفیق کودتای ۲۸ مرداد شد یا مطابق نظریه لمبتون: شکست جنبش اصلاح طلبان در اثنای حکومت ناصرالدین شاه ناشی از کارایی نظام جاسوسی پلیس بود.^{۳۳}

در این مثال سازمان سیا، سرویس اطلاعاتی انگلستان و عوامل داخلی سلطنت طلب متغیر مستقل هستند و کودتای ۲۸ مرداد متغیر وابسته است.





بنابراین، اگر فرضیه‌ای نباشد متغیری هم نخواهد بود و اگر چنین فرضیه‌ای طرح شود، محقق باید رابطه متغیرها را با استناد به مدارک و شواهد رد یا اثبات کند و الزاماً طراح فرضیه متهم به پیش داوری در تحقیق نخواهد شد و در واقع وظیفه اصلی تحقیق بر قراری رابطه بین متغیرها است اما آیا در این صورت لاجرم تئوری تاریخ را آلت دست خویش قرار خواهد داد چنان‌که فلور بر این باور است؟

پس آن چه که در طرح مقدماتی تحقیق از نظر فلور حائز اهمیت است، جمع آوری داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بر مبنای تقدم و تاخر زمانی، موضوع و ... است امری که با استفاده از همین داده‌های طبقه‌بندی و منظم شده، چارچوب و ساختار طرح پژوهشی را مشخص و تبیین می‌کند.

گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

هر رشته‌ای بنا به ماهیت خود منابع و مآخذ مطالعاتی متفاوتی دارد و از روشی خاص برای جست و جو در منابع جهت گردآوری اطلاعات برخوردار است. محقق تاریخی هم بر حسب ماهیت کار خود، منابع و مآخذ قابل استفاده در موضوع مورد پژوهش را شناسایی کرده، ادبیات و سوابق مساله و موضوع تحقیق را مطالعه می‌کند، نتایج مطالعات خود را بنا به سلیقه خود در ابزار مناسب اعم از فیش، جدول و فرم ثبت و نگهداری می‌کند. فلور در این خصوص اظهار می‌دارد:

چنان‌که گفتم، وقتی موضوعی به سراغم می‌آید، کتاب‌ها را دوره می‌کنم. این که به ژورنال‌ها و کتاب‌های قدیمی که کمتر مورد استفاده هستند سری بزنیم، کار ارزنده‌ای است؛ زیرا بیشتر آن‌ها ارجاعاتی از منابع جالبی در اختیار ما قرار می‌دهند. به عنوان مثال در کتابم حرفه‌های سنتی عصر قاجار که در آینده منتشر خواهد شد، از ژورنال‌های اروپایی که در سال ۱۸۱۵ م و ۱۸۴۴ منتشر شده و همه تقریباً آن‌ها را فراموش کرده بودند، استفاده کردم. این مجلات حاوی اطلاعات خیلی جالبی در مورد فلزکاری و خاتم کاری داشتند. مثال دیگر این است که در کتابم تحت عنوان بهداشت عمومی بسیاری از منابع قرن نوزدهم را که هیچ کس هرگز از آن‌ها استفاده نکرده بود، مورد استفاده قرار دادم. آن‌ها در دسترس همه محققان قرار داشتند ولی هیچ کس هرگز زحمت نگاه کردن به آن‌ها را به خود نداده بود. مثال دیگر این است که تمایل داشتم امسال مطلبی در مورد

تثاثر بنویسم - موضوعی که چیزی در مورد آن نمی دانستم - به هر حال متوجه شدم که متخصصین کلاً تعدادی از منابع را مورد بررسی قرار داده اند که متضمن اطلاعات یکسانی در مورد خیمه شب بازی و اولین نمایش تعزیه (به تاریخ ۱۷۵۰) است و من طی ساعت های طولانی تحقیق، این موضوع را یافته ام. تحقیق؛ یعنی ساعت های طولانی مطالعه طاقث فرسا. اما خرسندی هایی هم در یافتن اطلاعات جالب که فراموش شده یا نادیده انگاشته شده اند وجود دارد. بنابراین، هیچ رازی جز انگیزه، علاقه و کار مداوم وجود ندارد.

وی بدین گونه منابع را مورد کند و کاو قرار می دهد و به همان اندازه که سخن منابع را می شنود، سؤالاتی را نیز از آن ها می پرسد:

به عنوان یک محقق در شرایط ایده آل باید اجازه دهیم منابع، خود حقایق را آشکار سازند. البته این کار مشکلی است؛ چرا که منابع هم جانبدارانه هستند. اولین سؤالی که باید پرسید این است که هدف نویسنده چیست؟ اگر بدانیم نویسنده کیست یا به سفارش چه کسی می نویسد، ممکن است به این حقیقت پی ببریم. هم چنین ضروری است بدانیم آیا منابع دیگر هم همان مطلب را می گویند؟ و اگر نمی گویند چرا؟

از جمله اخیر فلور می توان ضرورت تطبیق و مقایسه منابع و روایات را استنباط کرد. امری که در سایه آن، میزان اعتبار منابع و محتوای آن ها را می توان ارزیابی نمود. در همین زمینه فلور می گوید:

من معمولاً اعتبار منابع را در رابطه با واقعیت تاریخی که می خواهم آن را توصیف کنم، طبقه بندی می کنم. معمولاً شما بیش از یک منبع که واقعه یکسانی را تایید می کنند در اختیار دارید. اگر دریابید که نویسنده ای توسط منابع دیگری مورد تایید قرار می گیرد، شما می توانید به خبر آن نویسنده درجه اعتبار زیادی قائل شوید. به هر حال همیشه نیاز به مقایسه کردن با منابع دیگر وجود دارد. هم چنین باید از دیدگاه های شخصی نویسنده آگاه شد. این مساله به ماهیت موضوع خیلی بستگی دارد. به عنوان مثال اگر شما درباره کشف بنویسید، آن گاه اثر نویسنده ای را که در مورد رویدادهای تاریخی به اندازه کشف





آگاهی ندارد، ملاحظه کنید می‌توانید کماکان اثر او را در مورد کفش و موارد مربوط به آن، منبع با اهمیتی قلمداد نمائید. به عنوان مثال من تصمیم گرفتم که در کتاب بهداشت عمومی از متون پزشکی عصر قاجار استفاده نکنم؛ زیرا یکی از آن‌ها اظهار می‌دارد: شنا کردن در چشمه‌های آب معدنی مضر است؛ چرا که آن‌ها به جهنم متصل هستند و نمی‌توانند مفید باشند. به هر حال ما می‌دانیم که هزاران نفر از مردم هر ساله به این چشمه‌ها می‌رفتند تا دردهای خود را معالجه کنند. از این و سایر عبارات کتاب روشن است که نویسنده علاقه‌ای نداشته که کتابی به طور واقعی درباره بهداشت عمومی عصر قاجار بنویسد، بلکه می‌خواسته کتابی پیرامون طب اسلامی بنویسد که از نظر سیاسی هم اشکالی نداشته باشد. به هر روی، این کتاب بی‌ارزش نیست اما برای مطالعه دیگری در باب چارچوب فکری نویسندگان متون پزشکی مفید است.

از همین منظر ضرورت مطالعه تطبیقی است که فلور می‌گوید:

اهمیت دارد که ما یک مبنای خوب تاریخ نگاری بر اساس مطالعه تطبیقی پی افکنیم.

استفاده صحیح و وسیع از منابع، اسناد و مدارک

فلور شاید برای اجتناب از پیش داوری، به طرح فرضیه و به کارگیری متغیرها خیلی باور ندارد و این ممکن است نقیصه‌ای در کار او به حساب آید اما در عوض آثار او آکنده از ارجاعات متعدد و مفید به منابع و اسناد دست اول و به زبان‌های مختلف است که این امر بر قوام و دوام کار او می‌افزاید. گویی این سخن گیبون که می‌گوید:

سعی کرده‌ام همیشه آب را از سرچشمه بردارم، حسن کنجکاوی و هم چنین احساس و وظیفه همواره مرا داشته است آثار اصلی را مطالعه کنم.^{۳۴}

سرلوحه کار فلور است و در نقد درونی اسناد و مدارک گویی به تاثیر از لئو پولد فون رانکه (۱۷۹۵-۱۸۸۶) مورخ آلمانی که غالباً اولین مورخ جدید اروپا شمرده می‌شود، بر آن است که مورخ نه فقط باید همیشه مآخذ معاصر دست اول را به کار برد، بلکه می‌بایست شخصیت، تمایلات و اعمال صاحب آن مآخذ را هم به دقت بررسی کند تا سهم و وضع وی را در روایاتش به درستی

درک کند. فون رانکه معتقد بود که مورخ کارش نه تعلیم اخلاق است نه ارشاد، باید حوادث را - دور از هرگونه تعصب و پیش داوری - همان گونه که در واقع چنان بوده است توصیف کند.^{۳۵}

دوری از تعصب و پیش داوری همواره اندرز طلایی به مورخان و نیز شعار همه آن ها بوده و هست و گو این که هرگز هم محقق نشده و نخواهد شد و بیم آن می رود که شائبه تمایل به آن، دامن هر محقق تاریخ را در بر کشد. البته فلور هم از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. گرچه نگارنده این سطور در بررسی بعضی آثار فلور چنین نظری در مورد او ندارد اما گهگاه انتقادی در این زمینه بر او وارد است.

البته فلور هلندی است و به شیوه خاص خود در برخی موارد نتوانسته است از همدردی با هم میهنانش خودداری کند و برخی تجاوزات و توسعه طلبی های آنان را توجیه و تاویل کرده است که کاش نمی کرد.^{۳۶}

منتقد دیگری اظهار می دارد:

مؤلف در همه این تالیفات [مجموعه شش جلدی اسناد کمپانی هند شرقی هلند] اقدامات ریاکارانه هلندیان را در پس تباهی و فساد اداری - مالی سازمان حکومتی ایران پنهان کرده است. افشای این اقدامات را تصویری نامفهوم و بیگانه از گذشته می نامد. در این آثار از سوء رفتار کارکنان این شرکت با مردم، حلیه گیری های آن ها برای فروش کالاها و خود به چند برابر ارزش واقعی، به سرعت بردن سنگ مرمر عمارت جزیره هرمز برای سنگین کردن کشتی های سبک وزن خود و ایجاد تعادل در آن ها و به مصرف رسانیدن این سنگ ها در ساختمان های شرکت در باتاویا و اقدامات خرابکارانه این شرکت در مناسبات تجاری ایران با سایر کشورها سخنی به میان نمی آید.^{۳۷}

اگر فلور از منظر یک فرد هلندی مرتکب چنین جعل، تزویر، اشتباه و قصوراتی شده باشد از کجا معلوم که این منتقدان ایرانی به همان بیراهه ای که او رفته است، نرفته باشند. ایرادات این ها هم از منظر یک فرد ایرانی طرح می گردد نه یک خواننده منصف بی طرف. و ای بسا که شائبه تعصب متوجه آنان نیز بشود و در ضمن اگر در این آثار از سوء رفتار کارکنان این شرکت با مردم، حلیه گیری آنان و ... سخنی به میان آورده نشده، قصوری متوجه فلور نیست. مگر این که به اسناد کمپانی هند شرقی هلند دسترسی داشته باشیم تا مواجهه فلور را با آن اسناد دریابیم که آیا در مطالعه و جرح و تعدیل آن ها منصفانه رفتار کرده، یا دچار تعصب و پیش داوری شده است.



فلور از این مجموعه که شامل ۲۵ میلیون سند می‌شود، ۶ کتاب را منتشر کرده است و معترف است ۱۰ الی ۱۵٪ محتوای آثارش که بیش از ۱۶۰ اثر را شامل می‌شود، مبتنی بر اسناد کمپانی هند شرقی هلند است که فلور آن‌ها را خیلی با اهمیت می‌داند:

اسناد کمپانی هند شرقی هلند خیلی مهم هستند؛ زیرا آن‌ها توسط بازرگانانی نوشته شده‌اند که صرفاً علاقه تجاری داشته‌اند و هیچ نفعی در سیاست ایران نداشتند. آن‌ها صرفاً با تجارت سرو کار داشتند؛ چرا که مجبور بودند آن کار را انجام دهند. هم چنین آن اسناد خصوصی بودند. نویسندگان در مکاتبات نظر خودشان را بازگو می‌کردند و هرگز فکر نمی‌کردند که خارجیان آن‌ها را بخوانند. بنابراین، انواع اطلاعاتی که ارائه کرده‌اند، خیلی قابل اعتماد است.

این بخش از سخن فلور که می‌گوید: آن‌ها فقط علقه تجاری داشته و نفع سیاسی نداشتند، محل تامل است؛ چرا که تجارت، امنیت تجاری و قراردادهای تجاری و سود حاصله از آن ارتباط کاملاً تنگاتنگی با کم و کیف اوضاع سیاسی دارد.

در بخش دیگر که مدعی است این اسناد جنبه خصوصی داشته و نویسندگان اسناد هرگز فکر نمی‌کرده‌اند که دیگران آن‌ها را بخوانند؛ اگر درست باشد، اخبار مندرج در آن‌ها قابل اعتنا و اعتماد است و همان‌طور که رشید یاسمی در کتاب آئین نگارش تاریخ به خوبی خاطر نشان می‌سازد، دروغ گفتن اساساً برای تولید اثری در نفس خواننده است.

حال اگر خیر طوری باشد که تصور نفعی در جعل آن نرود، قابلیت اعتماد دارد. ۳۸
با همه اهمیتی که فلور برای اسناد کمپانی هند شرقی هلند قائل است و به آن‌ها اعتماد می‌کند اما اذهان پژوهشگران را به این نکته جلب می‌کند که:

هنگامی که هلندیان درباره انگلیسی‌ها (یا انگلیسی‌ها در مورد هلندیان) می‌نویسند، شما باید خیلی مواظب باشید؛ چرا که ممکن است آن‌ها همه حقیقت را بازگو نکنند، به عنوان مثال وقتی که هلندی‌ها درباره انگلیسی‌ها و برعکس می‌نویسند، در هر دو مورد این گروه‌ها انگیزه پنهانی برای نوشته‌های خود داشته‌اند.

ری ضمن توجه به جعل و تزویر احتمالی که ممکن است در این اسناد راه یافته باشد، یادآور می‌شود هنگام استفاده از این اسناد:



باید همواره سؤال کرد که چه کسانی این ها را نوشته اند؟ برای چه کسی نوشته اند؟ آیا برای نگارش این ها دلیل شخصی، سیاسی یا تجاری وجود داشته است؟ مقابله و مقایسه با سایر منابع موجود ضروری است. اگر منبع دیگری وجود ندارد، شما می توانید با بهره گیری از استنباط خود، از مدارك و دوره مورد مطالعه، تدبیر و تصمیم درستی اتخاذ نمایید.

دقت نظر در آثار پژوهشی فلور و استفاده وسیع از منابع، مدارك و اسناد و تعمق در جزئیات و داده های تاریخ و سعی در بیان دقیق وقایع و حوادث، این نکته را به ذهن متبادر می سازد که دارای دیدگاه تبیین مبتنی بر نقل یا تبیین روایی در تاریخ است. دیدگاهی که طرفدارانی مانند اکشات، باترفیلد و گالی دارد و بر آن است که تاریخ روایتی زنجیره ای از رویدادها است. به همین دلیل برای شناخت ماهیت یک رویداد در تاریخ باید به شناخت جزئیات رویدادهای ما قبل آن اهتمام ورزید. از این روی روش مورخ هیچ گاه تفسیر یا تبیین از طریق تعمیم نیست، بلکه همواره از طریق بیان جزئیات بیشتر و کاملتر در صدد فهم ماهیت رویدادهای تاریخی است. مورخ باید تلاش کند تا ارتباط ذاتی رویدادها را نیز درك کند؛ یعنی به اصل بهم پیوستگی رویدادها توجه نماید. به علاوه وظیفه مورخ است که بستر شکل گیری حوادث را شناسایی کند؛ زیرا غالباً حوادث بعدی از حوادث قبلی ناشی می شوند و هر حادثه ای به حوادث بعدی منتهی می شود و زنجیره ای از علل و معلول شکل می گیرد که مورخ باید به دو نکته توجه داشته باشد: یکی درك اهمیت برخی علل نسبت به برخی دیگر. دوم اعتقاد به وجود یک رشته علل زیر بنایی بلند مدت که وقوع برخی حوادث و جریان ها را در بلند مدت اجتناب ناپذیر می سازند.^{۳۹}

مشخصه های پژوهش های تاریخی

علاوه بر آن چه که گفته شد فلور معتقد است پژوهش های تاریخی باید شرایط و ویژگی های ذیل را داشته باشد:

۱. تصحیح و ویرایش متون و اسناد. فلور می گوید: این خیلی مهم است. تحقیقات زیادی در حال انجام است، در حالی که کتاب های تاریخ ایام و اسناد هنوز چاپ نشده اند. باید این کار انجام شود تا در دسترس محققان قرار گیرد. من تا کنون به غیر از مدارك هلندی که در آرشیوهای هلند موجود است، چیز دیگری را ویرایش نکرده ام؛ اما به هر حال برای انجام پژوهش های تاریخی



باید به آن‌ها مراجعه کرد.

بنابراین، متون و اسناد دستمایه اصلی کار مورخ هستند ولی باید آن‌ها را منقح ساخته و به چاپ انتقادی آن‌ها پرداخت تا بتوان در پژوهش‌های تاریخی از آن‌ها استفاده کرد.

۲. به چالش کشاندن معرفت به رسمیت شناخته شده. مطالعات گذشته دانش و بینایی گذشته را منعکس می‌کنند. پس از سال‌ها مطالب بیشتری آموخته ایم؛ بنابراین، بسیاری از موضوعات نیازمند بازنگری هستند.

همان‌طور که قبلاً نیز خاطر نشان گردید، فلور از همین طریق بسیاری از موضوعات پژوهشی خود را انتخاب می‌کند و به تکمیل موضوعی که آن را به چالش کشانده است، می‌پردازد. وی در این راستا دیدگاهی ارائه می‌کند که برخلاف باور معمول یا پژوهشی است که قبلاً انجام شده است. مثلاً فلور مقاله لوطیان، سگ‌های ایرانی، کتاب بهداشت عمومی و ... را از این منظر نوشته است. در ضمن وقتی خودش هم مطلبی می‌نویسد، آن را فصل الخطاب معرفی نمی‌کند و راه را بر دیگران باز می‌گذارد که به تکمیل و توسعه موضوع بپردازند و یا آن را به چالش بکشانند. البته اصل به چالش کشاندن و نقد و بررسی، از اهمیت بسزایی برخوردار است و محقق تاریخی را بر آن می‌دارد که همواره دیده تیزبین شک و تردید خود را متوجه قضایا کند و بدون چون و چرا چیزی را نپذیرد و از طرف دیگر:

نیست صاحب فکری که از تاثیر اندیشه‌های دیگران و تجربه‌های بعدی خود بر حذر باشد. از همین رهگذر است که در نوشته‌های دانایان تناقض‌گویی‌های فراوان و چشم‌گیر وجود دارد، به حدی که مجموع آن‌ها را نمی‌توان در یک نظام فکری گنجانند. اگر قائل به تجزیه و تفکیک نگردیم در تحلیل افکار حیران می‌مانیم و سیر تحولی آن را نمی‌توانیم به دست دهیم، اعم از این که این تحول تکاملی باشد یا ارتجاعی.^{۲۰}

این نظر فلور که کارهای پژوهشی خود و دیگران را فصل الخطاب نمی‌داند، یادآور سخن سر جورج کلارک است که در مقدمه عمومی خود بر دومین تاریخ عصر جدید (کمبریج) درباره باور داشتن اکتن و همکارانش به این که سرانجام روزنگارش «تاریخ نهایی» امکان‌پذیر خواهد شد، نوشت:

مورخان نسل بعد انتظار چنین روزی را ندارند. برای آن‌ها محقق است که آثار



جدید یکی پس از دیگری جایگزین کار آن‌ها خواهد شد. در نظر آنان معرفت گذشته، پس از تصفیه توسط یک یا چند مغز بشری به ما رسیده است؛ بنابراین، حاوی ذرات بسیط و جامد تغییرناپذیر نیست... . کاوش، بی پایان می نماید و به همین جهت پاره ای از محققان ناشکیبا شکاک شده اند، یا دست کم به این نظریه توسل جسته اند که می گوید چون در تمام قضاوت های تاریخی پای افراد و عقاید شخصی در میان است، اعتبار همه یکسان است و حقیقت تاریخی عینی وجود ندارد. ۴۱

فلور در حین انجام پژوهش سعی می کند، اقوال و نظرات دیگران را نقد و بررسی کند. انتقاد بر نظر دیگران و ارائه دیدگاه تازه، به کرات در آثار پژوهشی فلور دیده شده است. به عنوان مثال در یکی از آثارش دیدگاه سیوری یکی از محققان عصر صفوی را بدین گونه نقد و بررسی می کند:

... همانند سایر دولت مردان برجسته اوایل عصر صفوی، صدر رتبه امری را برای خود نگه داشت. آخرین امیر - صدر که مقامش را حفظ کرده در سال ۹۳۱ هـ. ق دارفانی را وداع گفت. این که این امر نشان دهنده یک دگرگونی در سیاست صفویان، مبنی بر حرکت از توسعه طلبی به سوی استحکام و تثبیت باشد، چنان که سیوری معتقد است، بعید به نظر می رسد... ۴۲

وی در جای دیگر می گوید: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سیوری هم به اشتباه نتیجه گیری کرده است که نهاد مذهبی صفویان قبلاً مستقل از ساختار سیاسی صفویان عمل می کرد تا جایی که ظاهراً از آن تمکین می نمود؛ زیرا صدر مسؤلیت تمام امور مربوط به سیورغال را حق انحصاری خود قرار داده بود. صرف نظر از این حقیقت که تجربه واقعی نمی تواند با این نتیجه گیری مرتبط و منطبق باشد، اصطلاح سیورغال که در متن مورد اشاره سیوری به کار رفته است، صرفاً به اموال وقف اشاره می کند. ۴۳

صرف نظر از این که نظر سیوری مقرون به صحت است یا فلور، مهم نفس قضیه؛ یعنی مجادله علمی و مستند با دیدگاه های متعارف یا غیر متعارف محققان پیشین است که فلور البته با





پشتوانه های تاریخی و فکت های مختلف سعی دارد حرف خود را بر کرسی اثبات نشانند.

همان طور که فلور سعی می کند آثار، آرا و دیدگاه های دیگران را به چالش بکشد، مدعی است که اگر کسی آثار پژوهشی و نظریات او را به نقد بکشد، نگران نمی شود؛ چرا که معتقد است وقتی کسی مطلبی را منتشر می کند، باید منتظر نقد آن باشد و از همین طریق گفت و گو و تبادل نظر است که می توان به نقطه ای رسید که تشخیص کدامیک به حقیقت نزدیک تر است.

وی هم چنین اشتباه یک پژوهشگر غربی را با مراجعه به منبع محکم و دست اول و مقایسه و تطبیق آن ها با هم، این گونه تصحیح می کند:

مدرس نماینده اصلی ایالتی صدر خاصه بود. رهبر برن [در کتاب نظام ایالات در عصر صفوی] به اشتباه نتیجه گیری کرده است که مدرس نماینده ایالتی صدر ممالک و نایب صدر نماینده صدر خاصه است. طبق نوشته خودش، تذکرة الملوك تصریح می کند که فقط صدر خاصه نماینده ایالتی داشت. هم چنین سانسون به صراحت گزارش می دهد که مدرس نماینده ایالتی صدر خاصه بود. به علاوه او می نویسد که صدر الممالک نیز مانند صدر خاصه نمایندگانی در ایالات دارد. ۴۴

فلور در مثال فوق که برای نمونه ارائه گردید. اولاً تسلیم گفته های یک منبع پژوهشی نمی شود و با دیدگاه انتقادی به آن نگاه می کند و در این مواجهه متن اصلی دیوان سالاری عصر صفوی؛ یعنی تذکرة الملوك را مبنای کار خود قرار می دهد و اشتباه رهبر برن را تصحیح می کند. به علاوه جهت تاکید مطلب خود روایت سانسون را هم به کمک می طلبد.

نگاهی به آثار فلور، نمایانگر این است که بخشی از تحقیقات وی نقد و بررسی پژوهش های دیگران است. مانند نقد و بررسی کتاب ایران عصر قاجار اثر لمبتون^{۴۵}، نقد و بررسی مقاله تنباکو و شورش در ایران اثر نیکی کدی^{۴۶}، نقد و بررسی کتاب نامه های میرزاخان کرمانی اثر همانا^{۴۷} و ...

این امر جز این نیست که فلور در روش تحقیق خود اصل «به چالش کشاندن معرفت به رسمیت شناخته شده» را باور دارد، عملاً این کار را انجام می دهد و در این باره فقط انتقاد نمی کند بلکه سعی می کند دامنه موضوع را گسترش داده و تکمیل نماید.

۳. مطالعه تطبیقی. با عنایت به این که اکنون مطالعه تطبیقی خیلی مقبول و موجه است،

اهمیت دارد که ما یک مبنای خوب تاریخ نگاری را برای چنین مطالعاتی پی افکنیم. به همین دلیل است که کتاب مؤسسات دولت صفوی^{۴۸} و اقتصاد صفوی^{۴۹} را نگاشته‌ام که چارچوبی از ارجاعات را فراهم می‌کند و منبع خوبی برای مراجعه و مقایسه و تطبیق است.

آن چه از اظهار نظر فلور مستفاد می‌شود، ضرورت مقابله و مقایسه منابع است؛ زیرا در مواجهه آن‌ها اعتبار و ارجحیت خبری رد یا اثبات می‌گردد. این نکته حائز اهمیت و در عین حال کار مشکلی است اما فلور معمولاً در ارجاعات و آدرس‌هایی که می‌دهد، چند منبع را به عنوان شاهد بیان و اخبار را در منابع مختلف پی‌گیری می‌کند.

۴. روشن کردن مفاهیم. اغلب همه ما مفاهیمی را به کار می‌بریم که در قرن بیستم و زمان‌های قبل از آن معنی دارند. به عنوان مثال آیا در سال ۱۵۲۰ اصطلاح یک مسلمان شیعه یا یک مسلمان سنی کاربرد دارد؟ آیا ما می‌توانیم حتی این عبارت را در آن دوره به کار ببریم؟

طبعاً اصطلاحات و واژگان و عباراتی که در متون و اسناد تاریخی به کار رفته‌اند در دوره خود معانی و مفاهیم ویژه‌ای داشته‌اند که ممکن است با آن چه امروزه به ذهن ما خطور می‌کند یا در عرف عامه معمول و مرسوم است، متفاوت باشد و همین امر موجب گمراهی و استفاده‌های نابجا و نتیجه‌گیری‌های غیر قابل قبولی گردد. بنابراین، باید به بار معنایی عبارات و اصطلاحات در زمان خود توجه کرد.

لوسین فور از سردمداران دیدگاه آنال هشدار می‌دهد:

خطر تعمیم برداشت‌های امروز به دیروز یا زمان حال به گذشته و این که چگونه به قضاوت‌های نادرست و گمراه‌کننده می‌انجامد، مساله‌ای است که توسط دیدگاه آنال تحت عنوان (حال زدگی) در مطالعه گذشته به عنوان یکی از نقاط ضعف تاریخ‌نگاری مورد تاکید قرار گرفته و بارها و بارها گمراهی‌های ناشی از آن به طور مستند نشان داده شده است.^{۵۰}

نگاهی به آثار فلور بیانگر این است که کاملاً شان نزول تاریخی عبارات‌ها و اصطلاح‌ها را می‌شناسد و آن‌ها را در جای خود به کار می‌برد، سعی نمی‌کند از دریچه عینک امروزی معانی و مفاهیم تاریخی را دریافته و شرح و بسط دهد.^{۵۱}

1. non Western sociology

۲. مطالبی که راجع به بیوگرافی ویلم فلور است، ترجمه مصاحبه مفصل اینترنتی است که نگارنده مقاله با وی انجام داده است. هم چنین از مصاحبه ای که سید قاسم یا حسینی با وی انجام داده، استفاده شده است. جهت اطلاع تفصیلی ر. ک: سید قاسم یا حسینی، «گفت و گو با دکتر ویلم فلور ایران شناس هلندی درباره کار، زندگی و آثارش» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهر ۱۳۷۸، ص ۲۳-۱۶. ضمناً مطالبی که در خصوص روش پژوهش از قول فلور نقل می‌گردد و ارجاع ندارد، ترجمه همان مصاحبه اینترنتی است که نگارنده مقاله با وی انجام داده است و متن انگلیسی آن جهت حفظ و رعایت امانت نزد نگارنده محفوظ است.

3. Willem Floor A Fiscal History OF Iran in the safavid and Qajar Periods. (New york, bibiotheca persica) (تاریخ مالی ایران در دوران صفویه و قاجاریه).

۴. ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۲۹، ص ۶-۳۵.

5. cats in Iranian studies 2003

6. Public Health

7. Muqranas

۸. قاسم یا حسینی، همان، ص ۱۹.

۹. جهت اطلاع تفصیلی در این مورد ر. ک: فرنان برودل، سرمایه داری و حیات مادی ۱۸۰۰-۱۴۰۰، ترجمه بهزاد باشی، نشر نی، چ اول، ۱۳۷۲، ص ۴۰ مقدمه.

۱۰. همان، ص ۱۷.

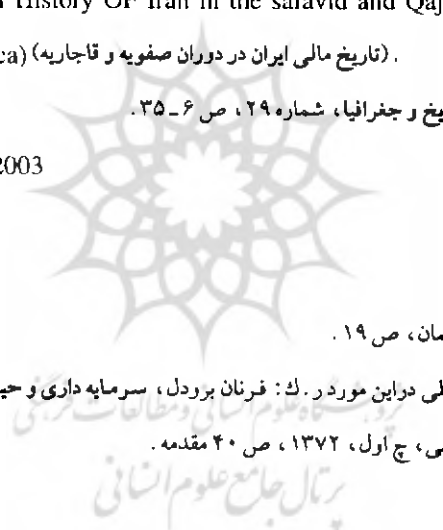
۱۱. همان، ص ۱۹.

۱۲. شی. ایچ. کار، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، انتشارات خوارزمی، چ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۵۰.

۱۳. روش های پژوهش در تاریخ، زیر نظر شارل ساماران، گروه مترجمین، انتشارات آستان قدس، چ اول، ۱۳۷۰، ج دوم، ص ۸-۲۲۷.

۱۴. جهت اطلاع تفصیلی علاوه بر مراجعه به آن کتب، ر. ک: ناهید بهزادی، کند و کاوی در آثار ویلم فلور، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، فروردین ۱۳۷۸، ص ۲۵-۱۱.

۱۵. سید قاسم یا حسینی، همان، ص ۱۶.



۱۶. کمپانی هند شرقی که طی قرون ۱۸ و ۱۷م بسیار فعال بوده، مجموعاً متجاوز از ۲۵ میلیون سند از خود به یادگار گذاشته است که در بردارنده اطلاعات فراوانی در زمینه‌های مختلف درباره سواحل و جزایر حد فاصل جنوب آفریقا تا ژاپن است و می‌توان در آن‌ها مطالب سودمندی در خصوص ایران، عربستان یمن، چین، مصر، ژاپن و ... به دست آورد. اخیراً کوشش گسترده‌ای در هلند برای انجام فعالیت‌های تحقیقی بر اساس اسناد کمپانی هند شرقی هلند آغاز شده است. طرحی که در این خصوص به اجرا درآمده TANAP نام گرفته و مخفف Towards A New Age of partership است. چنان‌که از نام آن برمی‌آید، در نظر دارد مشارکت جمع‌قابل توجهی از محققان را جلب کند. در داخل هلند نیز وزارت امور خارجه، وزارت آموزش، فرهنگ و علوم، مرکز تحقیقات علمی هلند (NWO)، کمیسیون ملی یونسکو (هلند)، آرشیو ملی هلند و دانشگاه لییدن برای تشکیل TANAP دست به دست هم داده‌اند. مدیریت علمی پروژه بر عهده آقای هنریک نیمجر است. ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، ص ۱۶۹.

۱۷. قاسم یا حسینی، همان، ص ۱۸.

۱۸. جهانگیر قائم مقامی، روش تحقیق در تاریخ نگاری، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸.

۱۹. ناهید بهزادی، همان، ص ۲۱-۲۰. ضمناً در این رابطه با دکتر ابوالقاسم سری مترجم کتاب، تماس برقرار گردید که ایشان مدعی بودند تغییری در عنوان کتاب نداده‌اند و همان عبارت اصلی را ترجمه کرده‌اند.

۲۰. به عنوان مثال ر. ک: محمدرضا حافظ نیا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، فصل سوم و چهارم، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۱؛ بهروز نبوی، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، فصل دوم، سوم، چهارم، انتشارات فروردین، چاپ بیستم، ۱۳۸۰؛ حسن محمدی نژاد، روش‌های تحقیق و آمار در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، فصل سوم، از انتشارات مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی، ۱۳۵۴؛ جهانگیر قائم مقامی، همان، ص ۱۸-۱۳؛ محمود سریع القلم، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، نشر پژوهش فرزاد روز، چ اول، ۱۳۸۰، بخش دوم.

۲۱. ر. ک: رشید یاسمی، آئین نگارش تاریخ، تهران، مؤسسه وعظ و خطابه، ۱۳۱۶.

۲۲. جهت اطلاع تفصیلی از تعریف اصطلاحات فوق ر. ک: حسن محمدی نژاد، همان، فصل دوم و سوم.

23. What is History

این کتاب با مشخصات ذیل به فارسی ترجمه شده است: ئی. ایچ. کار، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.



24. A Guid to Islamic History

25. Statistics

۲۶. فرنان برودل، همان، ص ۳۸.

۲۷. ر.ك: ریچارد بولت، گروش به اسلام در قرون میانه، ترجمه محمد حسین وقار، مرکز نشر تاریخ ایران، ج اول، ۱۳۶۴.

۲۸. نصرالله صالحی، تبیین تاریخی چیست؟ کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، شماره ۴۸، ص ۴-۵.

۲۹. جهت اطلاع تفصیلی از رابطه تاریخ و علوم اجتماعی، وجوه اشتراك و افتراق ر.ك: حسینعلی نوذری (ترجمه و تدوین) فلسفه تاریخ (روش شناسی و تاریخ نگاری)، انتشارات طرح نو، ج اول، ۱۳۷۹، فصل ۳.

۳۰. نصرالله صالحی، همان، ص ۱۱.

31. The Fragility of Resistance

این کتاب با مشخصات ذیل به فارسی ترجمه شده است: جان فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ج اول، ۱۳۷۷.

نوینده کتاب در ارتباط با استفاده از پنج نگرش محوری جامعه شناختی؛ یعنی: نظام جهانی، الگوی وابستگی، وجوه تولید، ماهیت دولت و فرهنگ های سیاسی، تحولات اجتماعی ایران را مورد بررسی قرار داده است. ر.ك: همان و هم چنین سعید زاهد، خلاصه و نقدی بر مقاومت شکننده، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهرماه ۱۳۸۰، شماره ۴۸.

۳۲. ویلم فلور، اختلاف تجاری ایران و هلند، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، ج اول، ۱۳۷۱، ص ۱۶-۱۵.

۳۳. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج اول، انتشارات توس، ج اول، ۱۳۶۶، ص ۵۷.

۳۴. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۹۲.

۳۵. همان، ص ۹۵.

۳۶. قاسم یا حسینی، همان، ص ۱۶.

۳۷. ناهید بهزادی، همان، ص ۱۳.



۳۸. رشید یاسمی، همان، ص ۵۸.

۳۹. جهت اطلاع تفصیلی در این مورد ر. ک: نصرالله صالحی، همان، ص ۱۴-۱۳؛ هم چنین پل ادواردز، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات از دایرةالمعارف فلسفه)، ترجمه بهزاد سالکی، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۵۵، بخش تبیین تاریخی، ص ۵۱-۳۳.

۴۰. فریدون آدمیت، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، انتشارات پیام، چ دوم، ۱۳۵۷، ص ۷، پیشگفتار.

۴۱. ئی. ایچ. کار، همان، ص ۳۲.

42. Willem floor, The sadr or dead of safavid religious administration, Judiciary and endowments and other members of the religious institution ZDAMG 150 (2000), pp. 461 - 500 p3 42.

43. ibid, P 4, 5

44. Willem Floor the sadr or head of safavid religious administration, judiciary and ednowments and other members of the religious institution, ZDAMG 150 (2000), PP.461-500 P3.

45. Book review of lambton, Qajar persia in Iranian studies 22/1989. PP 153-4.

46. Review of Nikki Keddie, Tobacco and Rebellion in Iran, WI, vol 13, PP.141-2.

47. Book review of Homa Nateq, Namehha-ya Mirza khan kermani, in Iranian studies

48. Willem floor Economy of safavid persia (wiesbaden: Reichert, 2000)

49. Safavid Government Institutions, (Costa Mesa:Mazda 2001)

۵۰. فرنان برودل، همان، ص ۲۲.

۵۱. به عنوان مثال ر. ک: Safavid Government Institutions که مملو است از این گونه عبارات ها و

اصطلاحات تاریخی و دیوانی که فلور به درستی با معنا و مفهوم بستر زمانی که معمول بوده اند آن ها را به کار

گرفته است.

